

## پناهیان: خیال زندگی راحت‌طلبانه را از سر بیرون کنید / به‌دست آوردن برخی از راحتی‌ها و

### دوری از برخی سختی‌ها وظیفه‌ی ماست

پناهیان: باید خیال یک زندگی راحت را از سر خودمان بیرون کنیم و برای آن برنامه‌ریزی نکنیم و به‌جای آن انجام وظیفه و تکلیف را قرار دهیم. مثلاً وظیفه‌ی یک مرد این است که برای تأمین معاش خانواده‌ی خودش تلاش کند و پول در بیاورد. حالا که این وظیفه برای ما قرار داده شده، به خاطر انجام وظیفه و تکلیف به دنبال پول در آوردن می‌رویم، نه به خاطر راحت بودن. انسان نباید هدف زندگی و فعالیت‌های خود را راحت‌طلبی یا رسیدن به راحتی خیالی و موهوم قرار دهد. باید هدف زندگی را انجام تکلیف قرار دهد. ضمن اینکه از برخی از سختی‌ها نیز استقبال کند؛ حتی اگر به او تکلیف نشده باشد.... تا به این جای بحث، بیشتر از این می‌گفتیم که باید از راحتی‌ها فرار کنیم و خیلی راحت طلب نباشیم ولی -همان‌طور که قبلاً هم بیان شد- راحت‌طلبی به‌طور مطلق یک امر مذموم نیست. یعنی این‌طور نیست که ما بخواهیم به‌طور مطلق از راحتی فرار کنیم. حتی برخی از راحتی‌ها را باید به‌دست بیاوریم و به‌دست آوردن آن راحتی‌ها وظیفه‌ی ماست. برخی از سختی‌ها را نباید به خودمان بدهیم و برخی از راحتی‌ها را باید به‌دست آوریم.

با پایان یافتن بخش اول و دوم مباحث بسیار مهم «تنها مسیر»، که به تبیین جهاد اکبر یعنی مبارزه با هوای نفس آشکار و پنهان می‌پرداخت، بخش سوم مباحث «تنها مسیر» با موضوع یکی از مصادیق مهم هوای نفس، یعنی «راحت‌طلبی» آغاز شد که کلیات آن در مراسم سوگواری ایام فاطمیه در حسینیه امام خمینی ارائه شده بود. قسمت سوم مباحث «تنها مسیر» تحت عنوان «راحت‌طلبی اولین گرایش انسان» جمعه شب‌ها در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین به همت هیئت محبین امیرالمؤمنین(ع) برگزار می‌شود. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **هشتمین و آخرین جلسه از قسمت سوم** مباحث «تنها مسیر» تحت عنوان راحت‌طلبی را می‌خوانید (قسمت چهارم از جلسه بعد آغاز می‌شود):

### واقع‌بینی صحیح انسان را از آرمان‌گرایی جدا نمی‌کند / واقعیت‌ها انسان را انقلابی و آرمان‌گرا بار می‌آورند و از دنیاطلبی جدا می‌کنند

- یکی از مکائد ابلیس این است که انسان را با واقعیت‌ها در ارتباط قرار نمی‌دهد یا واقعیت‌ها را در ذهن انسان مخدوش جلوه می‌دهد و اجازه نمی‌دهد انسان به بعضی از واقعیت‌ها نگاه کند.
- برخی از کسانی که ژست روشنفکری ضد دینی می‌گیرند، خودشان را طرفدار واقعیت‌ها نشان می‌دهند و می‌گویند: «آدم باید واقع‌بین باشد و آرمان‌گرا نباشد!» در حالی که واقع‌بینی صحیح انسان را از آرمان‌گرایی جدا نمی‌کند. اتفاقاً همین واقعیت‌های عالم هستند که ما را به سراغ خداپرستی و دین و ایمان فرستاده‌اند.
- اگر انسان به واقعیت‌ها درست نگاه کند معتقدتر، ملتزم‌تر و فداکارتر زندگی خواهد کرد. واقعیت‌ها انسان را انقلابی و آرمان‌گرا بار می‌آورند و او را از دنیاطلبی و بدمستی جدا می‌کنند. هرچند واقع‌بینی را باید با آرمان‌گرایی جمع کرد، اما گاهی اوقات خود واقع‌بینی هم -به‌تنهایی- کفایت می‌کند؛ از بس که واقعیت‌ها انسان را به سوی آرمان‌ها سوق می‌دهند و تسلیم ایمان می‌کنند.

### خیال رسیدن به راحتی موهوم در این دنیا، به انسان لطمه می‌زند

- واقعیت‌هایی که ما در پیرامون خودمان باید به آنها نگاه کنیم، چند دسته هستند: (۱) یک‌دسته از واقعیت‌ها ناشی از سنت‌های الهی هستند و در اثر رفتار خودمان بر سر ما می‌آیند. (۲) یک‌دسته از واقعیت‌ها نیز ناشی از قواعد حیات دنیا هستند؛ مانند مرگ، پیری و

مشکلاتی که نتیجه اعمال خوب و بد ما نیستند و به طور طبیعی به سراغ همه آدم‌های خوب و بد خواهند آمد. (۳) یک دسته از واقعیت‌ها نیز قبل از اینکه ما در این دنیا زندگی کنیم، در اطراف ما و در طبیعت حیات دنیا، تعبیه شده‌اند.

• ما در متن این واقعیت‌هایی که به ما سختی و رنج می‌دهند، زندگی می‌کنیم. زشت است در میان این واقعیت‌های سراسر توأم با رنج و سختی که با راحتی انسان مغایرت دارند، انسان بخواهد خیال‌پردازانه به دنبال راحت‌طلبی باشد. این خیال‌پردازی و تصور رسیدن به راحتی موهوم، خیلی به انسان لطمه می‌زند.

• **خیال رسیدن به یک زندگی خوش و راحت در این دنیا واقعاً به انسان لطمه می‌زند، همچنان که این توهم که درباره زندگی برخی دیگر خیال کنیم آنها در خوشی و راحتی مطلق زندگی می‌کنند نیز به انسان لطمه می‌زند،** یکی از این لطمه‌ها دچار شدن به حسادت و حسرت و حرص است.

**اتمام نعمت و امر فرج اتفاق نمی‌افتد مگر بعد از سختی‌ها و اذیت از دشمنان**

• روایت‌های زیادی وجود دارد که درباره سختی‌ها و ابتلائات مختلف به ما هشدار داده شده است. به عنوان مثال امام صادق (ع) در قسمتی از نامه‌ای که خطاب به شیعیان نوشته‌اند، می‌فرماید: «ای گروهی که راه حق را انتخاب کرده‌اید تقوای الهی پیشه کنید، کار(امر و ولایت و حکومت موعود) به سرانجام نمی‌رسد تا اینکه بلاها و سختی‌هایی که بر صالحین و آدم‌های خوب قبلی پیش آمده است برای شما هم پیش بیاید و در جان و مال، مبتلا شوید و صدمه بخورید و از دشمنان خودتان اذیت بسیار ببینید و شما باید صبر و مقاومت کنید؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ النَّاجِيَّةُ، إِنَّ أُمَّةَ اللَّهِ لَكُمْ مَا أَعْطَاكُمْ بِهِ فَإِنَّهُ لَا يَتِيمُ الْأَمْرِ حَتَّى يَدْخُلَ عَلَيْكُمْ مِثْلُ الَّذِي دَخَلَ عَلَى الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَ حَتَّى تُبْتَلُوا فِي أَنْفُسِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ حَتَّى تَسْمَعُوا مِنْ أَعْدَائِ اللَّهِ أذىً كَثِيراً فَتَصْبِرُوا وَ تَعْرُكُوا بِجُنُوبِكُمْ وَ حَتَّى يَسْتَنْدِلُواكُمْ» (کافی/ج ۸/ص ۴)

**اگر انسان یک مقدار وجدان داشته باشد، رنج مردم منطقه را در جان خودش احساس می‌کند**

• حضرت در ادامه می‌فرماید: «و امر ظهور اتفاق نمی‌افتد[ تا اینکه دشمنان از شما کینه به دل گیرند و به شما ستم کنند، و شما این ستم‌ها را به خاطر خدا و آخرت تحمل کنید، و تا اینکه فروبرید خشم شدیدی که از اذیتی که در راه خدا بر شما روا می‌دارند به وجود آمده (یک جاهایی آن قدر ناراحت می‌شوید ولی مجبور خواهید بود به خاطر خدا این غیظ خود را کنترل کنید)؛ وَ يُبْغِضُوكُمْ وَ حَتَّى يُحْمَلُوا عَلَيْكُمْ الصَّيِّمُ فَتَحْمَلُوا مِنْهُمْ تَلْتَمِسُونَ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ حَتَّى تَكْظُمُوا الغَيْظَ الشَّدِيدَ فِي الأَذَى فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَجْتَرِمُونَهُ إِلَيْكُمْ» (همان منبع)

• امروز در منطقه به انحاء مختلف این شرایط را می‌بینید. **اگر انسان یک مقدار وجدان داشته باشد رنج مردم منطقه را واقعاً می‌تواند در جان خودش احساس کند.** چه فرقی هست میان ما و آن مؤمنینی که در این منطقه زندگی می‌کنند و امنیت ندارند؟! همان کسانی که هر لحظه ممکن است تروریست‌ها وارد خانه آنها شوند و سرشان را جلوی زن و فرزندانش ببرند؟ انسان باید دلش را نزدیک کند به آن مؤمنین مظلومی که به خاطر همین مرام ما (مرامی که پرچمش را ما برپا کرده‌ایم) امروز دارند ظلم و ستم تحمل می‌کنند. اگر ما یک مقدار با وجدان و توجه برخورد کنیم، همان رنجی که آن‌ها متحمل می‌شوند، ما هم خواهیم کشید. چه بسا اگر ما با وجدان برخورد کنیم و این رنج مؤمنین را در وجود خودمان احساس کنیم، خداوند این تحمل رنج را از ما بپذیرد و آن بلاها و سختی‌ها را از بین ببرد.

**بی‌قراری و همدردی با سایر مؤمنین، به نزدیک شدن پیروزی نهایی کمک می‌کند**

• ما هم باید با اذیت سایر مؤمنین، اذیت شویم و احساس درد و رنج داشته باشیم. اینکه گفته‌اند: «بنی آدم اعضای یکدیگرند...» درباره همه انسان‌ها گفته شده است ولی طبیعتاً این همدردی و بی‌قراری در بین مؤمنین خیلی بیشتر خواهد بود. این همدردی و بی‌قراری خیلی کمک می‌کند به اینکه اتمام نعمت و پیروزی نهایی زودتر محقق شود.

• امام صادق (ع) در ادامه روایت فوق می‌فرماید: «و امر ظهور اتفاق نمی‌افتد[ تا اینکه شما را تکذیب کنند و با شما دشمنی کنند و نسبت به شما بغض پیدا کنند و شما در مقابل اینها صبر کنید؛ وَ حَتَّى يُكْذِبُوكُمْ بِالْحَقِّ وَ يُعَادُوْكُمْ فِيْهِ وَ يُبْغِضُوْكُمْ عَلَيْهِ فَتَصْبِرُوْا عَلٰى ذٰلِكَ مِنْهُمْ]» (همان منبع) و شما امروز می‌بینید که چقدر ما را تکذیب می‌کنند؛ به حدی که الان تکفیری‌ها، ما را کافر می‌دانند و دشمنی با ما را به اوج رسانده‌اند.

### در این فضای سرشار از رنج و سختی، نباید به دنبال راحت‌طلبی بود/ انسان با بی‌دینی و راحت‌طلبی به راحتی نمی‌رسد

• در کنار واقعیت‌های تلخی مانند «پیری» و «مرگ» که طبیعت حیات دنیا به ما تحمیل می‌کند، این واقعیت‌های تاریخی هم برای ما بسیار درس‌آموز و تکلیف‌آور است. در چنین فضایی نباید به دنبال راحت‌طلبی بود. اگر انسان در چنین فضایی راحت‌طلبی کند، طبیعتاً بی‌دین می‌شود، با خداوند مشکل پیدا می‌کند، دچار ضعف ایمان می‌شود و برای فرار از این سختی‌ها ممکن است رفتارهای بدی از او سر بزند ولی باز هم به راحتی نمی‌رسد. یعنی انسان با بی‌دینی و راحت‌طلبی به راحتی نخواهد رسید.

• از سوی دیگر، امام رضا (ع) می‌فرماید: «هر کسی بهشت و رضوان الهی را بخواهد ولی بر سختی‌ها صبر نکند در واقع خودش را مسخره کرده است؛ مَنْ سَأَلَ اللّٰهَ الْجَنَّةَ وَ لَمْ يَصْبِرْ عَلٰى الشَّدَائِدِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ» (مجموعه ورام/ ج ۲/ ص ۱۱۱) مگر می‌شود انسان به بهشت و رضوان الهی راه پیدا کند ولی در این دنیا بخواهد برای خودش راحتی تأمین کند؟! اگرچه کسانی که در این دنیا به دنبال راحت‌طلبی می‌روند هیچ‌وقت به آن نمی‌رسند بلکه به سختی‌های بیشتر می‌رسند، ولی خیال رسیدن به راحتی، آنها را به رفتارهایی وادار می‌کند که آنها را از یک معاد شیرین هم دور می‌کند.

### به‌جای اینکه به دنبال راحتی باشیم، باید به دنبال وظیفه باشیم/ اگر هم به سمت یک راحتی‌ای رفتیم از روی وظیفه برویم نه از روی راحت‌طلبی

• مهم این است که «بنای راحتی برای خودمان نگذاریم». به‌جای اینکه ببینیم چگونه راحت‌تر هستیم، باید ببینیم طبق وظیفه و تکلیف خومان چگونه باید عمل کنیم؟ یعنی به دنبال هر امری که می‌رویم «راحت‌طلبانه» نرویم بلکه از روی تکلیف برویم. این یک سبک دیگری برای زندگی است.

• اگر گاهی به سمت یک راحتی‌ای رفتیم، باید از روی وظیفه برویم نه از روی راحت‌طلبی. مثلاً در ماه مبارک رمضان، طبیعتاً انسان راحت‌تر است که اول افطار کند بعد نماز بخواند ولی بهتر است اول نماز بخوانیم و بعد افطار کنیم. منتها فرموده‌اند که اگر دیدید عده‌ای سر سفره منتظر شما هستند، اول غذا بخورید و بعد به عبادت پردازید. از این مواردی که انسان به دلیل وظیفه و تکلیف، لازم است راحتی خود را تأمین کند، کم نیست. در زندگی زیاد پیش می‌آید که انسان به خاطر همسر و فرزند، یک راحتی‌هایی نصیبش می‌شود. مثلاً ممکن است کسی به خاطر شأن خانواده همسرش (یا به دلیل دیگری مانند پادرد یا کمردرد برخی از

**افراد خانواده) لازم باشد برای منزلش مُبل تهیه کند. در این مورد هم انسان طبق وظیفه عمل می کند و البته به یک راحتی ای هم می رسد و اشکال هم ندارد.**

**۱- خیال زندگی راحت طلبانه را از سر بیرون کنید / ۲- از سختی ها فرار نکن؛ حتی به استقبال برخی از**

**سختی های مفید برو**

- راحتی هیچ وقت از زندگی انسان حذف نخواهد شد ولی ما نباید بنای زندگی راحت طلبانه داشته باشیم. اگر انسان مستقیماً به سمت راحتی نرود یا حتی بنا داشته باشد راحتی را حذف کند، بالاخره یک راحتی هایی به او خواهد رسید؛ یا غیر مستقیم به او راحتی هایی می رسد و یا اینکه از روی وظیفه، مجبور می شود یک راحتی هایی را بپذیرد.
- مهم این است که اولاً خیال راحت زندگی کردن را از سر خودمان بیرون کنیم. و ثانیاً از سختی ها فرار نکنیم؛ حتی به استقبال برخی از سختی های مفید برویم. آنهایی که در راه خدا به استقبال سختی می روند - حتی سختی هایی که ممکن است برای شان واجب نشده باشد - فقط خدا می داند این استقبال از سختی چقدر در نزد پروردگار عالم پاداش دارد. لذا وقتی یک تکلیفی برای ما پیش آمد که در آن سختی هایی بود، از آن استقبال کنیم و مطمئن باشیم که راحتی هم در جای خودش به سراغ ما خواهد آمد و نتیجه این سختی هایی که از آن استقبال می کنیم، یک راحتی دیگری خواهد بود.

**از برخی از سختی ها استقبال کنید؛ حتی اگر به شما تکلیف نشده باشد**

- باید خیال یک زندگی راحت را از سر خودمان بیرون کنیم و برای آن برنامه ریزی نکنیم و به جای آن انجام وظیفه و تکلیف را قرار دهیم. مثلاً وظیفه یک مرد این است که برای تأمین معاش خانواده خودش تلاش کند و پول در بیاورد. حالا که این وظیفه برای ما قرار داده شده، به خاطر انجام وظیفه و تکلیف به دنبال پول در آوردن می رویم، نه به خاطر راحت بودن.
- انسان نباید هدف زندگی و فعالیت های خود را راحت طلبی یا رسیدن به راحتی خیالی و موهوم قرار دهد. باید هدف زندگی را انجام تکلیف قرار دهد. ضمن اینکه از برخی از سختی ها نیز استقبال کند؛ حتی اگر به او تکلیف نشده باشد. کسانی که می بینند خداوند در دنیا به آنها یک لطف هایی داشته و آدم های معنوی ای هستند، مطمئن باشید یک جاهایی به استقبال برخی از سختی ها رفته اند یا راحتی هایی که برای شان مباح بوده است را به خاطر یک امر بهتر و یک ارزش بالاتر، کنار گذاشته اند و یک معامله ای با خداوند متعال کرده اند. خداوند هم در ازای آن، یک چیزهایی (مثل معنویت، برکت، روزی و آبرو و...) به آنها داده است که معمول نیست این همه به کسی بدهد.
- این افراد نه تنها به خاطر راحتی، زندگی نکرده اند و به خاطر راحتی، تکلیف دینی خود را ترک نکرده اند بلکه به خاطر اینکه از راحتی فرار کنند، از یک سختی هایی که برایشان واجب نبوده و البته فایده داشته و معقول هم بوده، استقبال کرده اند.

**به دست آوردن برخی از راحتی ها وظیفه ماست / برخی از سختی ها را نباید به خودمان بدهیم**

- تا به این جای بحث، بیشتر از این می گفتیم که باید از راحتی ها فرار کنیم و خیلی راحت طلب نباشیم ولی - همان طور که قبلاً هم بیان شد - راحت طلبی به طور مطلق یک امر مذموم نیست. یعنی این طور نیست که ما بخواهیم به طور مطلق از راحتی فرار کنیم. حتی برخی از راحتی ها را باید به دست بیاوریم و به دست آوردن آن راحتی ها وظیفه ماست. برخی از سختی ها را نباید به خودمان بدهیم و برخی از راحتی ها را باید به دست آوریم.

**راحتی هایی که باید به سراغ آنها رفت: ۱- راحتی از حسادت**

• یک نمونه از سختی‌هایی که نباید به خودمان بدهیم در این روایت آمده است. امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: «اگر کسی می‌خواهد دچار رنج حسادت نشود و قلبش از حسادت راحتی داشته باشد، باید در خانه خدا تضرع کند که خداوند عقلش را کامل کند؛ يَا هِشَامُ مَنْ أَرَادَ ... وَ رَاخَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْحَسَدِ وَ .. فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مَسْأَلَتِهِ بِأَنْ يُكَمِّلَ عَقْلَهُ، فَمَنْ عَقَلَ...» (کافی/ج ۱/ص ۱۸) حسادت راحتی را از انسان می‌گیرد. یکی از راحتی‌هایی که واقعاً انسان باید در این دنیا طلب کند، راحتی از حسادت است. اگر یک‌ذره در اثر حسادت ناراحت شدید آن قدر در خانه خداوند تضرع کنید و گریه کنید و از خدا بخواهید که «خدایا! عقل مرا کامل کن.» تا حسد برطرف شود. چون آدم بی‌عقل، حسود می‌شود. اگر عقل کامل شود علاوه بر اینکه انسان از حسادت راحت می‌شود، فواید دیگری هم دارد: اینکه انسان، بدون مال به غنا می‌رسد. دینش هم سالم می‌ماند. (فَمَنْ عَقَلَ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ اسْتَعْنَى؛ همان منبع)

• یکی از بیماری‌های مهم و فراگیر قلب انسان، همین حسادت است که انسان را به رنج‌های سختی مبتلا می‌کند. راحتی از حسادت جزء راحتی‌هایی است که باید به سمت آن برویم و آن را به‌دست آوریم. البته ظاهراً انسان خودش نمی‌تواند حسادت را از قلب خودش خارج کند بلکه باید در خانه خداوند تضرع کند. (مَنْ أَرَادَ رَاخَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْحَسَدِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ)

## ۲- راحتی ناشی از حسن ظن به خدا و مؤمنین

• ما باید برخی از راحتی‌ها را به‌دست بیاوریم. طبق روایات، یکی دیگر از اموری که برای انسان راحتی به دنبال دارد «حسن ظن» است. (امیرالمؤمنین (ع) حُسْنُ الظَّنِّ رَاخَةُ الْقَلْبِ وَ سَلَامَةُ الْبَدَنِ؛ عیون‌الحکم/ص ۲۲۹) اگر انسان سوء ظن داشته باشد، همین موجب ناراحتی او خواهد شد. لذا شما حسن ظن نسبت به خداوند و مؤمنین را مایه راحتی خود قرار دهید.

## ۳- راحتی ناشی از ترک نگاه حرام / کسانی که موجبات نگاه آلوده را در جامعه فراهم می‌کنند در واقع

### موجبات سلب راحتی را فراهم می‌کنند

• همچنین در روایات هست که شهوت و نگاه حرام، راحتی را از انسان سلب می‌کند. (امیرالمؤمنین (ع): مَنْ أَطْلَقَ نَظْرَهُ أَتَعَبَ خَاطِرَهُ، مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتُهُ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ؛ جامع‌الخبار/ص ۹۳) انسان در اثر ترک نگاه حرام به چنان راحتی‌ای دست پیدا می‌کند که بی‌حد و حصر است.

• متأسفانه این فرهنگ در میان ما باب نشده است که بگوییم: «مردها نگاه حرام نداشته باشند چون نگاه حرام انسان را ناراحت می‌کند و اعصاب آدم را به هم می‌ریزد و انرژی انسان را هدر می‌دهد» اگر این واقعیت برای مردها جا بیفتد طبیعتاً خانم‌ها نیز پیش خودشان می‌گویند: «بدحجابی ما موجب ناراحت شدن مردها خواهد شد.» منتها این نوع نگاه به بحث حجاب در جامعه ما باب نیست.

• نگاه آلوده راحتی را از انسان می‌گیرد و کسانی که موجبات آن را فراهم می‌کنند در واقع موجبات سلب راحتی را فراهم می‌کنند. ولی الان یک خانم بدحجاب چنین نگاهی به خودش ندارد. او نمی‌داند که چه لطمه روحی و چه صدمه‌ای به راحتی دیگران وارد می‌کند. منتها شما به خاطر اینکه لطمه روحی نخورید و راحتی شما سلب نشود، نگاه حرام را ترک کنید، تا آنها هم بفهمند که نباید با بدحجابی خودشان شما را آزار دهند. راحتی ناشی از ترک نگاه حرام خیلی ارزشمند است. چرا با نگاه حرام روح خودمان را آشفته کنیم و خودمان را روان‌پریش کنیم؟! چرا باید بعضی‌ها زمینه این کار را فراهم کنند؟!

• قبلاً برخی از رانندگان برای خودروهایی خود (مانند برخی از وانت‌ها) سپرهای بزرگ و خشنی درست می‌کردند که اگر به یک خودروی سواری برخورد می‌کرد، واقعاً صدمه و لطمه بدی به آن خودرو وارد می‌کرد. لذا معمولاً خودروهای سواری از نزدیک شدن به این وانت‌ها پرهیز می‌کردند و سعی می‌کردند از آنها فاصله بگیرند. (البته الان پلیس اجازه نمی‌دهد این قبیل خودروها در خیابان

